



دانشگاه باقر العلوم «علیه السلام»

دانشکده: معارف، فلسفه و کلام اسلامی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

کارکردهای خیال متصل در نظام فلسفی صدر المتألهین

استاد راهنما:

حجت الاسلام دکتر محمدجعفر علمی

استاد مشاور:

حجت الاسلام دکتر محمد مهدی گرجیان

نگارش:

فرشته سادات یاسینی

شهریور 1388

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَاهْلِكْ اَعْدَائَهُمْ»

تقدیم به مدینه‌ی علم الهی حضرت خاتم الانبیاء 6 و باب مدینه‌ی علم، علی اعلی 7 و بانوی بی‌نشان عالم، نور ملک و ملکوت حضرت صدیقه طاهره 3 و اولاد طاهرینش: از خداوند متعال توفیق علم و عمل خالصانه را مسئلت نموده و ثواب این اثر ناچیز را به روح همه انبیاء و اولیاء الهی و شهداء راه علم و فضیلت اهداء می‌نمایم.

تشر و تقدیر

بجاست که در آغاز این تحقیق، از محضر همه‌ی دانشمندان الهی و بزرگان علمی که کتب ارزشمند آنان دستمایه این تحقیق بوده تقدیر و قدردانی نموده و برای آنان که به جوار رحمت حق پر گشودند طلب علو درجات نمایم.

و همچنین از اساتید بزرگوار خود حضرت حجت الاسلام و المسلمین آقای دکتر محمدجعفر علمی «دامت توفیقاته» و حضرت حجت الاسلام و المسلمین آقای دکتر محمد مهدی گرجیان «دامت توفیقاته» که راهنمایی و مشاوره این پایان‌نامه را به بزرگواری خویش پذیرفته‌اند و دیگر عزیزان دانشگاه باقرالعلوم 7 تشکر و سپاس‌گزاری نمایم.

علو درجات و بقاء و توسعه توفیقات الهی را برای این عزیزان از خداوند قادر متعال

مسئلت دارم و خود را در همه حال مرهون راهنمایی‌ها و دعای خیر این عزیزان می‌دانم.

چکیده

اثبات تجرد قوه خیال و اصول قائمه بر آن و بررسی و ارائه کارکردهای آن از مباحث مربوط به نفس و مقامات آن است. تحقیق و تبیین مسأله مذکور ارتباط مستقیم با اکثر مبانی فلسفی دارد. بدون تردید فلاسفه قبل از صدر المتألهین به بسیاری از این نکات پی نبرده‌اند و اگر هم پاره‌ای از این مباحث در کتب آنها دیده می‌شود چون همه قواعد مربوط به آن را ضبط نکرده‌اند، از رسیدن به حقیقت محروم مانده‌اند. صدر المتألهین در بررسی قوای نفس تجرد قوه خیال را اثبات می‌کند و دلایل ابن‌سینا بر مادی بودن قوه خیال را رد می‌کند. با اثبات تجرد این قوه و اثبات وحدت نفس با قوای نفس، مرتبه و صقعی به نام خیال متصل برای نفس مطرح می‌کند. خیال متصل از منظر ایشان جای‌گاه صور خیالی، صور منامیه و صور جزئی دریافتی از عالم غیب است. قوه خیال از نظر ملاصدرا دارای توانایی‌های خاص است از جمله نفس با کمک این قوه در مرتبه خیالی خود صور خیالی را ابداع و خلق می‌کند علاوه بر این توانایی حفظ و نگهداری دریافتهای غیبی و وحیانی نیز ویژه این قوه است. با اثبات تجرد قوه خیال بقاء آن در معاد نیز توجیه می‌شود و با بقاء آن در معاد، معاد جسمانی تبیین می‌شود که خود از شاهکارهای صدر المتألهین است. در تحقیق حاضر ابتداءً به بررسی جای‌گاه قوه خیال در بین سایر قوای نفس پرداخته می‌شود و ادله‌ای که بر تجرد آن اقامه گردیده مطرح می‌شود، سپس کارکردهای این قوه در مباحثی چون ادراک، دریافت امور غیبی، معاد جسمانی مورد مذاقه فلسفی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: نفس، خیال متصل، متخیله، ادراک، رؤی، معاد جسمانی، وحی.

فهرست مطالب

1	کلیات
2	1. بیان مساله
2	2. سؤال اصلی پژوهش:
2	3. سؤالات فرعی پژوهش:
2	4. فرضیه‌های پژوهش:
3	5. اهداف پژوهش:
3	6. پیشینه
3	6-1. پیشینه بحث از قوه خیال
6	6-2. پیشینه بحث از خیال منفصل (عالم مثال)
9	فصل اول: مفهوم‌شناسی
10	مفهوم‌شناسی
10	1. تعریف لغوی و اصطلاحی خیال
10	الف- تعریف لغوی خیال
11	1-1. اقسام خیال از منظر صدرالمتهلین
12	الف. خیال متصل
12	ب. خیال منفصل (عالم مثال)
13	2. معنی و مفهوم مثل معلقه (اشباح مجردة):

3. معنی و مفهوم متخیله:..... 14

4. معنی و مفهوم تخیل:..... 15

5. مفهوم قوه:..... 15

Error! Bookmark not defined. فصل دوم: جایگاه قوه خیال در نظام فلسفی صدرالمتألهین

Error! Bookmark not defined. گفتار اول: نفس و قوای آن در نظام صدرایی

1. ماهیت نفس در فلسفه صدراء:..... **Error! Bookmark not defined.**

2. تعدد قوا..... **Error! Bookmark not defined.**

1-2. شمارش قوای نفس..... **Error! Bookmark not defined.**

2-2. ملاک تعدد قوی..... **Error! Bookmark not defined.**

براهین صدرالمتألهین بر تعدد قوا **Error! Bookmark not defined.**

2-3. تحلیل و بررسی..... **Error! Bookmark not defined.**

3. رابطه نفس باقوا..... **Error! Bookmark not defined.**

4. بررسی اجمالی قوای نفس حیوانی..... **Error! Bookmark not defined.**

1-4. حس مشترک:..... **Error! Bookmark not defined.**

1-1-4. ادله اثبات حس مشترک:..... **Error! Bookmark not defined.**

2-1-4. تحلیل..... **Error! Bookmark not defined.**

2-4. قوه خیال..... **Error! Bookmark not defined.**

3-4. واهمه:..... **Error! Bookmark not defined.**

4-4. حافظه..... **Error! Bookmark not defined.**

5-4. قوه متصرفه:..... **Error! Bookmark not defined.**

Error! Bookmark not defined. گفتار دوم: قوه خیال و جایگاه آن

1. کار قوه خیال:..... **Error! Bookmark not defined.**

2. جایگاه مادی خیال..... **Error! Bookmark not defined.**

3. اثبات قوه خیال: Error! Bookmark not defined.

1-3. دلیل اول: Error! Bookmark not defined.

2-3. دلیل دوم: Error! Bookmark not defined.

3-3. دلیل سوم Error! Bookmark not defined.

4. تجرد قوه خیال. Error! Bookmark not defined.

1-4. دلایل ابن سینا بر مادیّت خیال. Error! Bookmark not defined.

2-4. پاسخ صدررا به دلایل ابن سینا: Error! Bookmark not defined.

3-4. اثبات تجرد خیال با ادله تجرد نفس Error! Bookmark not defined.

الف- دلیل ششم از ادله تجرد نفس Error! Bookmark not defined.

ب- دلیل هشتم از ادله تجرد نفس Error! Bookmark not defined.

ج- دلیل نهم از ادله تجرد نفس. Error! Bookmark not defined.

4-4. دلایل خاص تجرد قوه خیال. Error! Bookmark not defined.

5. قوه خیالی مرتبه مثالی نفس. Error! Bookmark not defined.

نتیجه: Error! Bookmark not defined.

فصل سوم: بررسی کارکردهای خیال در فلسفه صدر المتألهین Error! Bookmark not defined.

گفتار اول: کارکرد خیال در نظریه ادراک و معرفت‌شناسی صدر المتألهین Error! Bookmark not defined.

بند اول: جایگاه خیال در نظریه ادراک: Error! Bookmark not defined.

1. معنانشناسی ادراک. Error! Bookmark not defined.

2. ماهیت ادراک (حقیقت ادراک). Error! Bookmark not defined.

1-2. نفس و ابداع صور: Error! Bookmark not defined.

2-2. تجرید مدرک یا تعالی مدرک Error! Bookmark not defined.

defined.

Error! Bookmark not defined...... 3-2 اتحاد مدرک و مدرک

Error! Bookmark not defined...... 4-2 مراتب ادراک

Error! Bookmark not defined...... 4 کیفیت ادراک خیالی

Error! Bookmark not defined...... 1-4 خیال متصل

Error! Bookmark not defined...... 2-4 کیفیت حصول صور خیالی:

Error! Bookmark not defined.... 5 جایگاه معلومات و ادراکات خیالی

Error! Bookmark not defined...... 6 خیال و کیفیت تذکر و یادآوری

Error! Bookmark not defined...... گفتار دوم: کارکرد خیال در دریافت امور غیبی

Error! Bookmark not defined...... 1 رؤیا:

Error! Bookmark not defined...... الف. رؤیای صادق

Error! Bookmark not defined...... ب. رؤیای کاذب (اضغاث و احلام)

Error! Bookmark not 2 انذارات و اطلاع بر مغیبات (آگاهی از امور غیبی)

defined.

Error! Bookmark not defined...... 1-2 خاستگاه انذارات

Error! Bookmark not defined...... 2-2 نقش خیال در اطلاع بر مغیبات

Error! Bookmark not 3 نقش خیال در دریافت وحی و رؤیت فرشتة وحی

defined.

Error! Bookmark not defined...... گفتار سوم: کارکرد خیال در معادشناسی صدرالمتألهین

Error! Bookmark not defined...... 1 معاد جسمانی

Error! Bookmark not defined...... 1-1 اصول معاد جسمانی

Error! Bookmark not defined...... (1 اصل اول - اصالت وجود:

Error! Bookmark not defined..... (2 اصل دوم - تشخیص وجود:

Error! Bookmark not (3 اصل سوم - تشکیک در وجود:

defined.

Error! Bookmark not (4 اصل چهارم - حرکت جوهری

defined.

Error! Bookmark not defined. (5) اصل پنجم - تحقق شیئیت شیء:

defined.

Error! Bookmark not defined. (6) اصل ششم - وحدت نفس با قوای خود:

defined.

Error! Bookmark not defined. (7) اصل هفتم - تشخیص بدن به نفس:

defined.

Error! Bookmark not defined. (8) اصل هشتم - تجرد خیال:

Error! Bookmark not defined. (9) اصل نهم - قیام صدوری صور خیالی و ادراکی به نفس:

Bookmark not defined.

Error! Bookmark not defined. (10) اصل دهم - تحقق صور مقداری بدون نیاز به ماده

Bookmark not defined.

Error! Bookmark not defined. (11) اصل یازدهم - اشتغال نفس ناطقه بر عوالم سه گانه:

Bookmark not defined.

Error! Bookmark not defined. 1-2. ثمره اصول یازده گانه

Error! Bookmark not defined. 2. بقاء و حضور قوه خیال در معاد

Error! Bookmark not defined. 3. مدرک لذت و ألم جسمانی

Error! Bookmark not defined. جمع بندی و نتیجه گیری

Error! Bookmark not defined. فهرست منابع

Error! Bookmark not defined. الف. کتابها

Error! Bookmark not defined. ب. مقاله ها:

Error! Bookmark not defined. ج. پایان نامه ها:



کلیات

1. بیان مساله

در این تحقیق در صدد بررسی عالم اسرارآمیز خیال از منظر صدرالمتألهین هستیم. تلاش بر آن است تا ماهیت خیال متصل جایگاه و کارکردهای آن در مباحث مختلف فلسفی (هستی‌شناسی، معادشناسی و معرفت‌شناسی) تبیین گردد تا ضمن تشریح دیدگاه صدرالمتألهین در اثبات تجرد قوه خیال تأثیر آنها بر نظام فلسفی صدرالمتألهین مطرح گردد.

2. سؤال اصلی پژوهش:

خیال متصل چه کارکردهایی در نظام فلسفی صدرالمتألهین داشته است؟ و ایشان چه استفاده‌هایی از مبحث خیال در مباحث مختلف فلسفی خود (اعم از هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و معادشناسی) کرده است؟

3. سؤالات فرعی پژوهش:

- 1- مفاهیم و مبانی به کار رفته در مبحث خیال چیست؟
- 2- خیال متصل در نفس‌شناسی صدرالمتألهین چه جایگاهی دارد؟
- 3- خیال متصل در دریافت امور غیبی و دریافت وحی چه نقشی ایفا می‌کند؟
- 4- خیال متصل چه کارکردهایی در معادشناسی ملاصدرا دارد؟

4. فرضیه‌های پژوهش:

از منظر صدرالمتألهین خیال در بین قوا دارای ویژگیها و کارکردهایی است که سایر قوا فاقد آن هستند، قوه خیال توانایی دارد افزون بر حکایت‌گری از مدرک خیالی، مشابه و مقارب

و ضد آن را نیز حکایت کند. می‌توان گفت از جمله کارکردهای خیال، صورتگری معانی در سیر نزولی است که در تبیین وحی و رؤیا مورد توجه قرار گرفته است. بدین معنا که آنچه را نبی یا فرد نائم در عالم بالا می‌بیند نفس با واسطه قوه متخیله خود آن را به مرحله تخیل تنزل می‌دهد. و بر آن صورت مثالی می‌پوشاند. از نظر صدرالمتألهین، نفس به واسطه قوه خیال در عالم برزخ برای خود بدن لطیفی متناسب با کمالات مکتسبه‌اش می‌سازد.

5. اهداف پژوهش:

در تحقیقی که در پیش رو داریم در پی اهدافی از قبیل 1- پیدا کردن شناخت دقیق فلسفی از قوه خیال، 2- آشنایی بیشتر با نظام فلسفی صدرالمتألهین، 3- ارائه یک مجموعه منسجم از کارکردهای قوه خیال در فلسفه با تکیه بر آراء صدرالمتألهین 4- ارائه تصویر روشنی از لوازم و نتایج مجرد قوه خیال در روش‌شناسی فلسفی ملاصدراء هستیم ان شاءالله تعالی.

6. پیشینه

6-1. پیشینه بحث از قوه خیال

از زمان فیلسوفان یونانی قوای نفس به سه دسته: قوای نباتیه، حیوانیه و انسانیه تقسیم شد که قول به قوای نفس نتیجه‌ای است که از طبقه‌بندی موجودات زنده به نبات، حیوان ناطق و غیر ناطق حاصل می‌شود.¹

ارسطو به وجود تخیل در انسان اذعان داشتند. کتاب «فی النفس» ارسطو از اهم کتب فلسفی یونانی است و تا قرون جدید بزرگترین مرجع مطالعه در علم النفس به شمار می‌رفته‌ای‌شان در دفتر سوم آن پس از ارائه براهینی چند سعی در تمیز قوه تخیل از احساس و تفکر و تعقل می‌کند و در تعریف تخیل می‌گوید «تخیل گویا قسمی از حرکت است و نمی‌تواند بدون احساس به وجود آید فقط در موجودات حساس، نسبت به اشیایی که متعلق احساس

1 - رستگار مقدم گوهری، هادی، آشنایی با حکمت مشاء و اشراق، ص 116.

است حاصل می‌شود.¹ ارسطو صفاتی را برای تخیل بیان می‌کند که عبارت است از تعلق آن به احساس حضور موجودات احساس، حضور آن در موجودات حساس و امکان وقوع خطا در آن.² قوه خیال در زمان فلوطین نیز به عنوان یکی از قوای نفس شناخته شده بود که کارش نگهداری صور محسوسات بعد از غیبت آنها از حواس پنجگانه شناخته شده بود.³ فارابی همچون فلاسفه قبل از خود وجود قوه خیال را به عنوان قوای باطنی نفس می‌پذیرد و نقش آن را «حفظ صور محسوسات بعد از غیبت از حس و ترکیب آنها در خواب و بیداری می‌داند».⁴

خیال در روانشناسی فارابی مقام مهمی حائز است. وی کارکردهایی را برای قوه خیال مطرح می‌کند و از وجود آن برای تبیین وحی و رؤیا استفاده می‌کند. از نظر فارابی وحی و الهامی که به پیامبران می‌رسد معلول تخیل آنهاست. و خصیصه مهم پیغمبران داشتن تخیل تیزپرداز است که به مدد آن می‌تواند به عقل فعال در خواب و بیداری اتصال یابد. وی قائل است که خیال آفریننده صور ذهنی است. و این صور ذهنی که تقلیدی از محسوسات نیستند منبع رؤیاها و دیدارهاست از نظر این فیلسوف: (کسی که قوه خیال او به حد اعلای کمال خود برسد ممکن است در خواب و بیداری حوادث آینده را پیش‌بینی کند و این بالاترین مرتبه‌ای است که خیال می‌تواند به آن دست یابد و بشر ممکن است به مدد این قوه بدان واصل گردد.⁵

فارابی نیز مانند ارسطو اولاً بین خیال و متخیله تمایزی قائل نیست. ثانیاً جایگاه خیال را قلب انسان می‌داند.⁶

پس از فارابی ابن سینا رئیس حکمت مشاء به صورت جدی‌تری این قوه را مورد توجه

1 - ارسطو، درباره نفس، ص 208.

2 - همان، 210.

3 - فلوطین، اثولوجی، مترجم عربی ابن ناعمه حمصی، مترجم فارسی، حسن ملکشاهی، ص 395.

4 - یثربی سید یحیی، آشنایی با حکمت مشاء، ص 58.

5 - فارابی، آراء اهل مدینه فاضله، ص 53-51.

6 - همان، ص 61.

قرار داد. وی سخنان پیشینیان خود را نظمی نو بخشیده، هر چند ارسطو و دیگران از ادراکات شبیه تخیل و حافظه سخن به میان آورده‌اند. اما از چیزی به نام حس باطنی سخن نمی‌گویند و ابن سینا است که دو نوع ادراک غیر عقلی تحت عنوان ادراک حس ظاهر و ادراک حس باطن را مطرح کرد.¹

چنانچه صاحب نظران بیان می‌کنند: «نکته اساسی در نظریه ادراکی ابن سینا تمایز قائل شدن او میان ادراک باطنی و ادراک خارجی است».²

ابن سینا پنج حس باطنی را برای نفس بر شمرد که خیال یکی از آنهاست. وی بر مادی بودن قوه خیال اصرار می‌ورزد. و براهینی در این راستا اقامه می‌کند.³ که بعدها توسط صدرالمتألهین مورد نقد قرار می‌گیرد. همچنین شیخ الرئیس جای‌گاه مادی برای قوه خیال در قسمت مقدم تجویف آخر دماغ بیان می‌کند و آنجا را محل صور خیالی معرفی می‌کند. و بین خیال و متخیله تمایز قائل می‌شود.

«فخزانه مدرک الحس و هو الصورة هی القوة الخیالیة، و موضعها مقدم

الدماغ»

بو علی همانند فارابی برای خیال در دریافت امور غیبی نقش ویژه‌ای قائل است⁴ و به صورت گسترده به این مسأله می‌پردازد. چنانچه در تبیین وی از وحی و رؤیا متخیله و خیال نقش دارند.

«روح پیامبر به خاطر تخیل بسیار نیرومند و به وسیله تأثیر
نفس حقایق و مفاهیم عقلانی را به شکل صور و نمادهایی در
می‌آوردند بلکه طبق آنها عمل می‌کنند این فعل حیاتی و موثر
تخیل نبی هم به وسیله فارابی و هم به وسیله ابن سینا مورد

1 - شیخ الرئیس ابوعلی سینا، رساله نفس، با مقدمه و حواشی و تصحیح دکتر موسی عمید، ص 19.

2 - شریف میان محمد، تاریخ فلسفه اسلام، جلد 1، ص 701.

3 - شیخ الرئیس ابوعلی سینا، رساله نفس، ص 31 تا 34.

4 - شیخ الرئیس ابوعلی سینا، النفس من کتاب الشفاء، تحقیق حسن حسن‌زاده آملی، ص 231.

تأکید است.¹

پس از ابن سینا و پیروانش شیخ اشراق نظریه نسبتاً متفاوتی را درباره‌ی خیال و جای‌گاه صورخیالی مطرح می‌کند. ایشان معتقد است صورخیالی‌ه در عالم ماده نیستند و الا همگان آنها را مشاهده می‌کردند. همچنین منطبق در دماغ نیستند چرا که مستلزم انطباق کبیر در صغیر است بلکه این صور در صغیر دی‌گر و عالمی غیر از عالم ماده و عقل به نام عالم مثال موجودند.²

صورخیالی موجود در عالم مثال قائم به نفس هستند و محل و مکان ندارند و قوه‌ی خیال موجود در نفس شخص مظهر این صور هستند. شیخ اشراق نیز کارکردهای خیالی را برای خیال در دریافت وحی و رؤیای فرض می‌گیرند.

پس از مکتب شیخ اشراق و پیروانش صدرالمتألهین توجه ویژه‌ای را به این قوه معطوف می‌دارد. و نظراتی را ارائه می‌دهد که از جهاتی با شیخ الرئیس و از جهاتی با شیخ اشراق متفاوت است. که در این تحقیق به بررسی و تبیین کارکردهای خیال در فلسفه صدرالمتألهین می‌پردازیم.

2-6. پیشینه بحث از خیال منفصل (عالم مثال)

در مورد عالم مثال و این که چه زمانی وارد بحثهای علمی شده است می‌توان گفت در میان حکمای قدیم ایران باستان قول به عالم مثال وجود داشته است. چنانچه شیخ اشراق در نوشته‌هایش از قبیل *حکمت اشراق* و *هیاکل نور* شناخت عالم مثال را به حکمای فرس نسبت می‌دهد.³ و در میان حکمای یونان و سقراط هم قائل به عالم مثال بوده‌اند این را شیخ اشراق در *حکمة الاشراق* در بیان مغایرت مثل افلاطونی و مثل معلقه موجود در عالم مثال متذکر می‌شود که:

«چگونه این صور معلقه همان مثل افلاطونی است در حالی که

1 - شریف می‌ان محمد، *تاریخ فلسفه اسلام*، جلد 1، ص 711.

2 - سهروردی، شیخ شهاب الدین، *مجموعه مصنفات*، جلد 2، حکمة الاشراق، ص 212-211.

3 - شهرزوری، شمس‌الدین محمد سهروردی، *شرح حکمة الاشراق*، ص 554.

افلاطون و سقراط و فیثاغورث و انبازقلس و دیگران از قدما همانگونه
که قائل به مثل نوریۀ عقلیه بوده‌اند همان گونه قائل به مثل خیالیۀ معلقه
لافی محل که بعضی از آنها منیره و برخی ظلمانیه‌اند بوده‌اند.¹

از این بیان می‌توان فهمید قول به عالم مثال از مسائل مستحدثه اسلامی مربوط به فلسفۀ
اسلامی نیست و از آغاز و ابتدای فلسفه وجود داشته است.

ابن سینا در تقسیم‌بندی عالم تنها عالم عقل و طبیعت را مطرح کرده است.²
شیخ شهاب الدین سهروردی ضمن اعتقاد به عالم مثال برای آن جایگاه ویژه‌ای در
مباحث خود قائل شده است. و مبحث عالم مثال از مباحث بسیار مهم فلسفۀ اشراق است. در
هستی‌شناسی شیخ اشراق عوالم وجود چهار تا می‌باشند: 1- انوار قاهرۀ طولیه 2- انوار قاهرۀ
عرضیه (مثل افلاطونی) 3- مثال منفصل (عالم اشباح مجرد) 4- عالم ماده.

وی در توضیح این عالم می‌گوید: من با تجربه‌های مکرر شهودی حقایق صوری مجرد
مانند آنچه در خواب می‌بینیم دیدم که شکل دارند ولی ماده ندارند و می‌دانم که این صور جزء
این عالم نیستند و منطبع در مغز نیز نیستند بلکه مجردند و در عالمی بین عالم عقول و ماده که
همان عالم مثال یا اشباح مجرد است، حضور دارند. از نظر وی این صور معلقه همه
جوهری‌اند و هرگز عرض نیستند حتی اعراض در عالم اشباح مجرد هویت جوهری دارند. به
ازاء هر فرد مادی یک مثال معلقه در اشباح مجرد داریم. همچنین صور خیالیۀ در عالم مثال
موجودند و قوه خیال برای صور خیالی مظهر است.³

یکی از استدلال‌های شیخ اشراق بر وجود این عالم نفی حرکت هنگام انتقال از خواب به
بیداری است. شیخ با تمثیل مثال می‌زنند و می‌گوی‌ند: وقتی شما خوابید و صور منامی دارید
همان لحظۀ بیداری احساس می‌کنید از آن صور دست کشیده به این نشئه آمدید، اگر آن صور
مادی بودند، ماده در مکان قرار دارد پس انتقال از آن صورت به صورت مادی دیگر نیازمند
حرکت است در حالی که به وضوح احساس می‌کنید حرکتی صورت نگرفته. لذا این صور

1 - شیخ اشراق، مجموعه مصنفات، ج 2، ص 231.

2 - همان.

3 - سهروردی، شیخ شهاب الدین، مجموعه مصنفات، ج 1، ص 240 و 241.

مادی نیستند و مجردند.¹

شیخ صور مرآتیه، صور خیالیه، صور منامیه و صور موجود در کشف صوری را در گستره عالم مثال می‌داند و با استفاده از عالم مثال بهشت و جهنم صوری را هم تبیین می‌کند.² می‌توان گفت: در کل ایشان عالم مثال را خیلی بسط داده و هم فیلسوفانه و هم مقتدرانه بحث کرده‌اند اما نتوانستند بین عالم مثال متصل و منفصل تمایز قائل شود و همچنین صور مرآتیه را مطرح کرد که چون در هیچ جا نیستند پس در عالم مثال‌اند در حالی که می‌توان صور مرآتی را با تحلیل درست فیزیکی و مسأله شکست نور در این عالم توضیح داد و نیازی به عالم مثال نیست.

ملاصدرا که فلسفه خود را وامدار شیخ الرئیس و شیخ اشراق است به تبع پیشینیان به این بحث مفصل پرداخته و عالم مثال در هستی‌شناسی وی جایگاه ویژه و کارکردهای قابل ملاحظه‌ای دارد که به اختصار در این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد.

1 - برگرفته از مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج 2، حکمة الاشراق، ص 211.

2 - شیخ شهاب الدین سهروردی، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج 2، حکمة الاشراق، ص 229 و 230 و 234.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

فصل اول:

مفهوم شناسی

مفهوم‌شناسی

1. تعریف لغوی و اصطلاحی خیال

الف- تعریف لغوی خیال

در فارسی غالباً کلمه خیال به معنی امر توهمی و غیر حقیقی است، و در زبان عربی کلمه «خیال» از ماده «خال فلان الشی خیلاً و خیلاً» بمعنی گمان است در «خیلٌ الیه انه کذا» به معنی توهم و پنداشتن است.¹ ماده خیال در قرآن تنها یک بار به کار رفته است: ﴿يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَى﴾.² در لسان العرب ذیل ماده خیال آمده است صورتی که در حالت رؤیا یا بیداری دست می‌دهد.³ در اصطلاح عرفا «خیال، در معنای عام بر کل ماسوی الله اطلاق می‌شود. چرا که عرفا ماسوی الله را سایه و شبخ وجود حق تعالی می‌دانند که وجود حقیقی ندارد. این معنی در عبارات ابن عربی مکرر آمده است که عالم پندار است و وجود حقیقی ندارد؛ «فکل ما سوی الله خیالٌ هائلٌ و ظلٌّ زائلٌ».⁴

1 - معلوف لویس، المنجد فی اللغة و الادب، ماده خال، چاپ 27، 1989، بیروت.

2 - طه/66.

3 - ابن منظور، لسان العرب، ماده خیال، دائره المعارف، قاهره.

4 - ابن عربی، فتوحات مکیه، ج 2، بیروت، دار صادر، ص 314-309.

ب - تعریف اصطلاحی خیال

«خیال» در فلسفه اسلامی یکی از قوای باطنی نفس انسان است که به آن مصوره نیز می‌گویند و آن قوه‌ای است که حافظ صور موجود در باطن می‌باشد از نظر فلاسفه صور اخذ شده توسط حواس پنجگانه وارد حس مشترک می‌شود و این صور در خزانه حس مشترک یعنی قوه خیال ضبط و نگهداری می‌شود.

صدرالمتألهین در تعریف خیال می‌فرماید:

«قوة خیال - و يقال لها المصورة - هي قوة يحفظ بها الصورة الموجودة في

الباطن»^۱.

البته توجه به این نکته ضروری است که مصوره در این اصطلاح با قوه مصوره‌ای که پیش از حدوث نفس نباتی عهده‌دار حفظ صورت شیء است تفاوت دارد. و اطلاق مصوره بر این دو از باب اشتراک لفظی است.

از نظر صدرالمتألهین قوای باطنی انسان سه دسته‌اند: مدرک، حافظ، متصرف. که قوه خیال حافظ صور است در حضور و غیبت محسوسات و

«يجتمع عنها مثال المحسوسات و يبقى فيها و إن غابت موادها عن الحواس

غيبه طويلاً، فهي خزانه بنطاسيا»^۲.

نتیجه‌ای‌نکه از نظر ملاصدرا خیال خزانه حس مشترک است و حافظ صورت وارد شده در حس مشترک توسط حواس پنج‌گانه است.

1-1. اقسام خیال از منظر صدرالمتألهین

صدرالمتألهین خیال را به دو بخش تقسیم کرده‌اند.

1 - ملاصدرا، الاسفار الاربعه، ج 8، ص 288

2 - همان، ص 282.

الف. خیال متصل

خیال متصل همان قوه خیال و مرتبه‌ای از نشأت و درجات نفس است که قائم به قیام نفس است. «خیال متصل» یا «مقید» که در مقابل «خیال منفصل» یا «مطلق» قرار دارد محل صور خیالی نفس است. ملاصدرا در **الاسفار الاربعه** در توضیح جایگاه صور خیالیه می‌فرماید: این صور نه در این عالم موجودند و نه آن گونه که حکمای مشاء گفته‌اند در قوه‌ای از قوای بدن ارتسام یافته‌اند و نه آن گونه که اشراقیون گفته‌اند در عالم مثال موجودند بلکه این صور خیالی در عالم نفس انسانی مقید و متصل به نفس موجودند. که قائم به قیام نفس هستند و با توجه و التفات نفس بر آنها این صور محفوظ می‌مانند.

شیخ اشراق صور خیالیه را قائم به ذات می‌داند که در جهان خارج از نفس وجود دارند او معتقد است که صور خیالیه موجود و محقق‌اند اما نه در عالم ذهن قرار دارند و نه در عالم عین بلکه این صور در صقعی مخصوص و موطن دیگری به نام خیال منفصل وجود دارند.¹ اما ملاصدرا وجود و عدم صور خیالیه را وابسته به توجه و اعراض نفس از آن صور می‌داند و بنابر این در مثال مقید، قائل به خیال متصل است. وی بر این نظر است که صور خیالی بر طبق استعداداتی که در نفس حاصل می‌شود وجود می‌یابند.²

ب. خیال منفصل (عالم مثال)

«خیال منفصل» یا «خیال مطلق» یا «عالم مثال» عالمی حد وسط عالم معقولات و محسوسات است که محل صور معلقه است. عالم مثال منفصل از نظر ملاصدرا عالمی است که موجودات آن ماده ندارند ولی آثار ماده از قبیل کم و کیف را دارا هستند.³ با این توضیح که عالم غیر مادی (عقول) مجرد است از ماده و مقدار و عالم ماده متلبس

1 - شیخ شهاب الدین سهروردی، **مجموعه مصنفات**، جلد 1، حکم‌الاشراق، ص 230.

2 - ملاصدرا، **الشواهد الربوبیه**، ص 263 و 264.

3 - سجادی، سید جعفر، **اصطلاحات فرهنگ علوم فلسفی و کلامی**، ص 137.

است به مقدار و ماده ولی عالم مثال مجرد از ماده و متلبس به مقدار است یعنی موجوداتی هستند مانند صور خیالی با این تفاوت که صور خیالی تنها در ذهن وجود دارند اما این صور مثالی در خارج ذهن محققاند عالم مثال از جهت قوت و اهمیت از جهان مادی بالاتر و از عالم معقولات ضعیفتر است. این عالم از جهتی به خاطر داشتن مقدار و شکل و کیف شبیه جوهر جسمانی است و از جهت دیگر به دلیل تجرد از ماده عالمی روحانی و شبیه جوهر عقلی مجرد است.

2. معنی و مفهوم مثل معلقه (اشباح مجرده):

به موجودات موجود در عالم مثال (خیال منفصل) مثل معلقه می‌گویند لفظ «مثل» جمع مثال به معنای همانند و شبیه است و مثال هر چیزی شبیح و نمونه آن چیز است. ریشه قول به مثل مربوط به افلاطون است. در فلسفه افلاطون مثال به معنی صورت مجرد و حقیقت معقول، ازلی ثابت، قائم به ذات است که تغییر و فنا نمی‌پذیرد. در *حکمة الاشراق* است که مثل معلقه غیر از مثل افلاطونی‌اند؛ زیرا مثل افلاطونی نور محض‌اند که محل آن‌ها عالم انوار است ولی مثل معلقه در عالم اشباح حد فاصل میان جسمانیات و روحانیات محضه‌اند و شیخ اشراق معتقد است این صور خیالیه مثالیه همگی جوهرند و قائم به ذات که نه محل دارند و نه موضوع لذا تعبیر معلقه را به کار برده است.¹

بر این مثل معلقه، اشباح برزخیه، اشباح مثالیه و اشباح مجرده نیز می‌گویند. تعبیر اشباح به علت آن است که شبیح به معنای دارای مقدار است که چون موجودات معلقه، دارای شکل و مقدارند اشباح خوانده می‌شوند و چون دارای ماده نمی‌باشند و فوق اجسام‌اند و مانند صوری هستند که در آینه از اشیاء منعکس می‌شوند اشباح مجرده خوانده شده‌اند.²

1 - سهروردی، شهاب‌الدین، *حکمة الاشراق*، ص 230.

2 - سجادی، سید جعفر، *فرهنگ اصطلاحات فلسفی ملاصدرا*، ص 80.

3. معنی و مفهوم متخیله:

متخیله اگرچه از لفظ خیال مشتق شده اما با قوه خیال که خزانه حس مشترک است فرق می‌کند.¹ قوه متخیله قوه‌ای است که در مدرکات، اعم از صور محسوسه و معانی و مفاهیم تصرف می‌کند این قوه از آن جهت که از سوی نفس ناطقه به کار گرفته می‌شود تا در مفاهیم تصرف کند و مقدمات فکر را مرتب گرداند به نام «مفکره» خوانده می‌شود و از آن جهت که از سوی وهم به کار گرفته می‌شود «متخیله» خوانده می‌شود قوه متخیله، خود، آلتی است برای قوه واهمه و عاقله؛ به گونه‌ای که واهمه و عاقله با استخدام آن در معانی جزئی و کلی تصرف می‌کنند.² مثلاً در مدرکات عقلی تصرف کرده مفهوم جنس و فصل را ترکیب می‌کند و به صورت حد درمی‌آورد. یا آن که مقدمات قیاس را تنظیم می‌کند و از این طریق تشکیل قیاس می‌دهد. همچنین صورتهای محسوس جزئی را با یکدیگر «ترکیب» می‌کند و صورت جدیدی ارائه می‌دهد که در خارج وجود ندارد. مثلاً تصور انسان سه سر یا اسب بالدار. علاوه بر این گاهی اوقات یک صورت مرکب را «تجزیه» می‌کند و هر یک از اجزاء را جداگانه به تصویر می‌کشد با آن که چنین اجزائی در خارج وجود ندارد.

می‌توان گفت متخیله از سه ناحیه تغذیه می‌کند: 1- صور مخزونه‌ای که در خزانه مشترک یعنی قوه خیال است. 2- معانی جزئی‌های که در مخزن وهم یعنی ذاکره حفاظت می‌شوند. 3- صور معقوله‌ای که توسط عقل ادراک شده‌اند³ (صور خیالی، معانی جزئی، صور معقوله) و فرق اساسی بین خیال و متخیله نیز ناشی از همین است. چنانچه ابن سینا در مبدأ و معاد بیان می‌کند.

«فرق بینها و بین الخیال ان الخیال لا یكون ما فیه الا مأخوذة عن الحس و

1 - همان، ص 232

2 - همان، ص 125.

3 - خادمی، حمیدرضا، بررسی جایگاه خیال و لوازم آن در فلسفه ابن سینا و نقد آن بر اساس حکمة متعالیه، دانشگاه قم، کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی، 1386، ص 18.

المتخیله قد ترکب و تفصل و تحدث من الصور ما لم يحس و لا يحس البتة
مثل انسان طائر و شخص نصفه انسان و نصفه شجرة»¹.

4. معنی و مفهوم تخیل:

تخیل عبارت است از حضور صور مقداریه و خیالیه در نفس و تجزیه و ترکیب آنها. در
مجمع اللغة العربیه آمده است:

«تخیل ترکیب صورت حاکی از پدیدارهای طبیعی است اگرچه ممکن
این صورت ذهنی گویای شیء موجود حقیقی نباشد»².

در واقع تخیل حرکت نفس در محسوسات را گویند چنانچه حرکت نفس در معقولات
را تفکر می گویند.³

برخی گمان کرده اند تخیل عبارت است از حصول صور خیالیه در اجزاء دماغ که
صدراء این عقیده را مردود می کند و می گوید صور متخیله مجردند مانند سایر صور ادراکیه و
ماده دماغیه حامل اشکال و صور مختلف و متضاد نمی تواند باشد.⁴

5. مفهوم قوه:

لفظ قوه، مشترک لفظی است که بر معانی مختلفی اطلاق شده است. اولی بن وضع لفظ
قوه برای معنای بی است که در حیوان وجود داشته، مصدر و مبداء صدور افعال شاقه ای است
که از او کماً و کیفاً و به ندرت صادر می شود به دیگر سخن اولی بن موضوع له لفظ قوه،

1 - سجادی سید جعفر، فرهنگ اصطلاحات فلسفی ملاصدرا، ص 53.

2 - فرهنگ فلسفی، ج 1، ص 219.

3 - سجادی، سید جعفر، فرهنگ اصطلاحات فلسفی صدراء، ص 144.

4 - ملاصدرا، الاسفار الاربعه، ج (3/1)، ص 328. موسوعه اصطلاحات فلسفی عند العرب، جیرار جهامی، مکتبته
البنان، الناشر، چاپ اول، 1998، ص 312.

مبداء صدور افعال شاقه است. که ضد آن ضعف می باشد.¹ سپس تحولاتی در معنای قوه ای جاد شد که ابن سینا در الهیات شفاء فصل دوم از مقاله چهارم سیر تحول معانی قوه را بیان می کند: به جهت تناسب بین فعلهای سخت و منفعل نشدن مفعول، قوه بر معنای انفعال ناپذیری نقل معنا کرد (المعنی الذی لما یفعل له و بسببه الشی بسهولة).² بعد از آن به مبداء انفعال قوه اطلاق گردید، و نهایتاً (الحال الشی للحيوان و بها یكون له ان یفعل و ان لا یفعل)³ به معنی مبداء فعل اطلاق شد که در این صورت به معنی قدرت است. تغیری راتی دی گر در معنای قوه صورت گرفته که مورد بحث ما نیست. می توان گفت معنای عام قوه که در مباحث نفس و قوای آن مقصود فلاسفه است مبداء فعل و مبداء مؤثر در غیر است که از معنای اول مستفاد است.

قوه بدین معنا (مبداء فعل) گاه بر نفس اطلاق می گردد. چرا که نفس نیز مبداء فاعلی است که منشاء ظهور آثار و افعال خاصی می گردد چنانچه ملاصدرا بیان می کند. «نفس به خاطر قدرت آن بر فعل که همان حرکت است و قدرت منفعل شدن از صور محسوسات و معقولات که همان ادراک است قوه نامیده می شود.»⁴

آنچه از کنکاش در مباحث نفس صدرالمتهلین به دست می آید این است که منظور از قوای نفس، ابزار و آلاتی اند که موجود عالی (نفس) آنها را به استخدام گیرد تا از آنها در انجام افعال و ادراکاتش استعانت جوید. و حتی بنابر مبانی صدرالمتهلین مبنی بر اتحاد نفس با قوای خود که در مباحث آتی به آن خواهیم پرداخت. مقصود از «قوه» مرتبه ای از مراتب نفس است که می تواند به علت تنزل از مرتبه اصلی منشاء صدور افعال نازل گردد.⁵

1 - موسوعه مصطلحات فلسفه عند العرب، ج 1، ص 633، ابن سینا، الهیات شفاء، ص 171.

2 - ابن سینا، الهیات شفاء، ص 170.

3 - همان، ص 171.

4 - ملاصدرا، الاسفار الاربعه، ج 8، ص 7.

5 - مصباح یزدی، محمدتقی، شرح اسفار، جزء 1، ص 328.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

